

## ۱۸ هزار پرونده در کلانتری‌های تهران به‌سازش رسید



سر تیب پاسدار، حسین ساجدی‌نیا، فرمانده انتظامی تهران بزرگ گفت: در شش ماهه امسال ۸۳ هزار پرونده در کلانتری‌های تهران تشکیل شده‌است. از این تعداد، ۲۳ هزار پرونده بنا به دستور قاضی به دوایر اجتماعی کلانتری‌ها و پایگاه‌های اجتماعی پلیس پایتخت ارجاع شده‌است.وی ادامه داد: آنجا که رسالت اصلی فعالیت

این دوایر ایجاد صلح و سازش بین طرفین پرونده‌است، با تلاش کارشناسان و مشاوران بیش از ۱۸ هزار پرونده معادل ۷۸ درصد به سازش ختم شد. رئیس پلیس تهران گفت: حجم قابل توجهی از پرونده‌هایی که منجر به سازش شده مربوط به نزاع و درگیری فردی و خانوادگی است. در این میان بیش از ۸ هزار پرونده مربوط به مسائل و مشکلات خانواده نظیر طلاق، بدسرپرستی، اعتیاد والدین، بیش از ۲هزار پرونده مربوط به مسائل حقوقی نظیر جرائم مالی و اقتصادی و بقیه مربوط به آسیب‌های اجتماعی دیگری می‌شود.

وی افزود: بیش از ۱۶۰ کارشناس اجتماعی زن و مرد که در رشته‌های روانشناسی، مشاوره و هم‌چنین و مددکاری تحصیلات عالی دارند، در مراکز مشاوره و دوایر اجتماعی کلانتری‌ها به‌صورت فعال مشغول ارائه خدمات به شهروندان هستند. این مشاوران می‌توانند ضمن بررسی ریشه‌های مشکلات مراجعان به کلانتری در خصوص پرونده‌های مذکور، ضمن ایجاد مصالحه میان طرفین دعوی، از ارجاع پرونده به دادسرا و سیر مراحل وقتگیر قضایی پینگیری کنند. این در حالی است که شهروندان با اعتماد کامل به مشاوران مراجعه و مشکلات خود را مطرح کنند.

## واکش ناجا به انتشار کلیپ کتک‌زدن یک راننده توسط پلیس

**سخنگوی پلیس در واکنش به انتشار یک کلیپ در شبکه‌های اجتماعی که مأموران پلیس راهور یک راننده را در بمپ پزین کتک می‌زنند، از شهروندان عذر خواهی کرد و گفت هر سه مأمور حاضر در فیلم توییح شده‌اند.**

سر دار سعید منتظرالمهدی توضیح داد: چند روزی است که در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی کلیپی منتشر شده‌است که در آن چند نفر از مأموران راهنمایی و رانندگی در یک پمپ پزین اقدام به برخورد نامتعارف با راننده یک خودروی خطسی کرده‌اند. وی ادامه داد: گرچه محرک این رخداد ناگوار، شرب خمر و فقدان تعادل روانی و رفتارهای پرخطر و هنجار راننده خودرو وی‌بی‌تیجی به فرمان ایست مأموران بوده‌است، اما رفتار غیرمتعارف مأموران نیز مغایر قانون و قواعد انضباطی و رویه همیشگی ناجا بوده‌است، به همین سبب، پلیس بی‌درنگ مبادرت به برخورد انضباطی شدید با سه سرباز وظیفه و همچنین مأمور پلیسی کرده که ناظر مگر صحنه بوده‌است و آنان تا مشخص شدن تکلیف نهایی نتزیل در چه و به انتظار خدمت در آمدند.



پلشگاه حقوقی

**مجازات رانندگی با خودروی دارای نقص فنی**
مأموران راهنمایی و رانندگی در صورت تشخیص عیب و نقص فنی مؤثر در وسیله نقلیه، موظف هستند به منظور رفع نقص آن را متوقف و به شرح زیر اقدام کنند.
۱- اگر نقص فنی وسیله نقلیه در محل قابل رفع باشد، پس از رفع نقص در محل توسط راننده و تأیید مأمور مربوط، قبض جریمه صادر و اجازه عبور داده می‌شود.
۲- در صورتی که نقص فنی قابل رفع در محل نباشد، پلاک وسیله نقلیه فک و با نصب پلاک تعمیری و تعیین زمان برای رفع نقص به تعمیرگاه اعزام می‌شود.
۳- در صورتی که وسیله نقلیه معیوب و قابل حرکت نباشد، پلاک وسیله نقلیه فک و با نصب پلاک تعمیری و تعیین زمان برای رفع نقص به تعمیرگاه اعزام می‌شود.
بر طبق ماده ۱۲ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در مواردی که انتقال وسیله نقلیه ضرورت داشته باشد، وسیله نقلیه با استفاده از وسایل مطمئن که برای این کار معمول است که نزدیک‌ترین توقفگاه یا مقر انتظامی یا راهنمایی و رانندگی مربوط یا تعمیرگاه انتقال پیدا می‌کند.
هزینه‌های حمل و نقل و توقف وسیله نقلیه که توسط بخش خصوصی گرفته می‌شود،به عهده متخلف، مالک، کنسی که وسیله نقلیه در دست اوست یا قائم مقام قانونی آنها است.
بر طبق تبصره یک این ماده اگر در اثر حمل یا نگهداری، خسارتی به خودرو یا محموله آن وارد شود، راهنمایی و رانندگی از خسارت دیده حمایت می‌کند.
جبران این خسارت به عهده حمل کننده می‌گردد.
بازنده و نیز بر طبق تبصره دو این ماده، در همه موارد اگر قبل از حمل یا در هنگام حمل خودرو، و مالک آن حاضر نشود و تقاضای تحویل خودرو را کند، مأموران مکلفند ضمن صدور قبض جریمه، خودرو را به او تحویل دهند.

## فرار آدم‌ربای معتاد پس از گروگان گرفتن مسافران اتوبوس

**مرد معتادی که به مدت پنج ساعت سرنشینان یک اتوبوس مسافربری را در شهرستان ملاتانی خوزستان به گروگان گرفته بود، بعد از رها کردن آنها با خودرویی که پلیس در اختیارش گذاشته بود، متواری شد.**
شامگاه جمعه، ۲۱ آبان‌ماه بود که مأموران پلیس آگاهی اهواز از ماجرای گروگانگیری در یکی از خیابان‌های شهر ملاتانی باخبر و در محل حاضر شدند. خیلی زود مشخص شد که اتوبوس مسافربری از اهواز راهی شوشتر بوده که در شهر ملاتانی توقف می‌کند و مردی با اسلحه کلاننیکف سوار خودرو می‌شود و ۳۴ سرنشین آن را به گروگان می‌گیرد. او در جریان گروگان گیری وقتی با مقاومت مسافران مواجه می‌شود، اقدام به تیراندازی می‌کند که

یک مرد و زخمی می‌شوند.

در تحقیقات بعدی معلوم شد که متهم ۲۷ نفر از گروگان های خود را آزاد کرده است، با این حال تهدید کرد در صورتی که خودروی پژو برسی را فرار او از محل در اختیارش قرار نگیرد، هفت گروگان خود-سه مرد، دون و دو کودک- را به قتل خواهد رساند. هر چند وقوع حادثه باعث ترافیک سنگین در مسیر شوشتر به اهواز شده بود، با این حال با حضور تیم مشاوره‌ای پلیس، مرد آدهربا تحت مشاوره روانی قرار گرفت.

پنج ساعت پس از آغاز ماجرا او بعد از رها کردن گروگان های خود، سوار بر خودرویی که فراهم شده بود، از محل متواری شد. در اولین گام دو مجروح حادثه

# حوا دیات

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵

## راهی بیمارستان شدند. سرهنگ علی قاسم پور، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی خوزستان گفت:بررسی‌های پلیس نشان داده‌است که متهم به مصرف مواد اعتیاد دارد و تنها خواسته‌اش این بود که در ازای آزادی گروگان‌ها اجازه فرار به او داده شود.وی ادامه داد: هر چند آزادی گروگان‌ها بیش از پنج ساعت به طول انجامید، با این حال تلاش برای بازداشت متهم در جریان است. سردار محمدرضا اسحاقی، فرمانده انتظامی خوزستان هم گفت از آنجا که گروگان‌گیری در شهر صورت گرفت، سعی کردیم عملیات را به بیرون شهر ببریم تا بتوانیم گروگان‌گیر را دستگیر کنیم، اما او متواری شده و تلاش برای بازداشت او در جریان است.

یک مرد و زخمی می‌شوند. در تحقیقات بعدی معلوم شد که متهم ۲۷ نفر از گروگان های خود را آزاد کرده است، با این حال تهدید کرد در صورتی که خودروی پژو برسی را فرار او از محل در اختیارش قرار نگیرد، هفت گروگان خود-سه مرد، دون و دو کودک- را به قتل خواهد رساند. هر چند وقوع حادثه باعث ترافیک سنگین در مسیر شوشتر به اهواز شده بود، با این حال با حضور تیم مشاوره‌ای پلیس، مرد آدهربا تحت مشاوره روانی قرار گرفت.

پنج ساعت پس از آغاز ماجرا او بعد از رها کردن گروگان های خود، سوار بر خودرویی که فراهم شده بود، از محل متواری شد. در اولین گام دو مجروح حادثه

# متهم: برای دخترم وقت نگذاشتم

**مردی که به اتهام قتل دخترش در بازداشت به سر می‌برد، روز گذشته در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد.**

به گزارش خبرنگار ما، اردیبهشت‌ماه سال قبل بود که مأموران پلیس تهران از خبر قتل یک دختر باخبر و در محل حاضر شدند. جسد متعلق به دختری ۴۰ ساله بود که با فشار بر عناصر حیاتی گر دنش فوت شده بود. پدر او که پلیس را از ماجرا با خبر کرده بود خودش را به عنوان قاتل معرفی کرد و گفت: به خاطر کار های خلافی که انجام می‌داد، چاره‌ای جز قتل نداشتم و سرانجام مرتکب قتل او شدم.

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات پیشتری در این باره انجام شد. مرد میانسال در بررسی‌های بعدی گفت: سال‌ها قبل بود که متوجه شدم دخترم روابط غیر اخلاقی داد. بارها با او حرف زدم و خواستم از دواج کند، اما به حرفم توجه نمی‌کرد و می‌خواست به روابط خودش ادامه دهد. این موضوع باعث گرانی خانواده‌ام هم شده بود. شب حادثه به من گفت که تصمیم دارد هنرپیشه شود و در این باره با یک نفر حرف زده است. او اگر قصد انجام کاری را



می‌کرد حتماً آن را انجام می‌داد به خاطر همین بود که تصمیم گرفتم او را بکشم. با کامل شدن بررسی‌ها مرد میانسال صحنه جرم را بازسازی کرد و باز پرس او را به اتهام قتل عمدم جرم شناخت و کیفرخواست علیه‌وی صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

جلسه رسیدگی به پرونده صبح دیروز برگزار شد. بعد از اینکه قاضی رسمیت جلسه را اعلام کرد، نماینده دادستان در دفاع از کیفرخواست برای متهم در خواست صدور حکم قانونی کرد. بعد از آن مادر مقتول به عنوان ولسی دم به دادگاه گفت: من از شوهرم شکایت ندارم و از او اعلام گذشت می‌فید و شرط کردم.

متهم وقتی در جایگاه قرار گرفت اتهامش را پذیرفت و گفت: وقتی دخترم جوان بود متوجه انحراف اخلاقی او شدم. آن موقع تلاش خودم را کردم تا او را هدایت کنم. به خاطر شغلی که داشتم، نمی‌توانستم وقت زیادی برایش بگذارم با این وجود او روز به روز به دنبال خواسته خودش رفت. من کاری جز مالی داشتمند که روز حادته فرار بود مقتول چک داریوش را وصول کند. همچنین بررسی‌های حادثه به مکانیت از آن داشت مقتول چهار روز قبل از حادثه به طرز مرموزی ناپدید می‌شود و مأموران در محل حادثه فیلتر سیگاری کشف می‌کنند که معلوم شدد زنی آن را مصرف کرده است، اما متهم هرگز در بازجویی‌های اسمی از دختر مورد علاقه‌اش و مقتول به زبان نیاورد.

دومین دلیلی که باز پرس پرونده به آن رسید، اظهارات و تقبض دختر مقتول است. دختر مقتول در تحقیقات مدعی شده بود که چندین بار برای آوردن وسایل پذیرایی به خانه مادری‌اش رفته است در صورتی که مأموران در صحنه متوال هیچ وسایل پذیرایی کشف نکرده بودند که معلوم بود دختر مقتول دروغ گفته‌است. دلیل سوم باز هم به اظهارات دختر مقتول بر می‌گردد که مدعی شده بودروز حادثه ابتدا داریوش از خانه بیرون رفته است که ساعتی بعد وقتی مهمان برای پدرش می‌آید، او به خانه دوستی می‌رود. اما این در حالی است که دو نفر از کاسب‌های محل دیده بودند وی همراه نامزدش از خانه بیرون رفته‌است. دلیل چهارم در باره ادعای متهم است که گفته بود هنگام خروج از خانه مقتول دو مرد ناشناس به محل متوال آمدند.

در صورتی که تحقیقات نشان داده بود هیچ فردی از اهالی و کاسب‌های محل این دو مرد ناشناس را ندیده‌اند.

آخرین دلیلی که باز پرس پرونده نتیجه گرفت قاتل داریوش است. اظهارات همسر دوم مقتول بود که در تحقیقات گفته بود دختر خردسالش را ساعت ۲ بعد از ظهر دیده‌است و اجساد هم ساعت ۴ و ۴ دقیقه عصر همان روز کشف شده‌است که در نتیجه متهمان زمان برای اجرای نقشه حادثه و صحنه‌سازی داشته‌اند.

با به‌دست آوردن این پنج سرخ در پرونده، باز پرس جنایی به این نتیجه رسید که مقتول همسراه دختر خردسالش بدون اطلاع از حضور متهم وارد خانه دخترش می‌شود که در آنجا متهم و پدر و دختر خردسال اعلام کرده بود هر سه با جسم توک تیزی به قسمت مشخصی از سر به قتل رسیدند.

در آن پرونده داریوش و مقتول هر دو قریب عشقی هم بودند و از نسوی دیگر مقتول و مظنون با هم داد و ستد

نصیحت کردن او نداشتم با این وجود به حرف او اعتنا نمی‌کرد. بارها تلاش کردم ازدواج کند، اما قبول نمی‌کرد و من و خانواده‌ام از این موضوع ناراحت بودیم. متهم در شرح حادثه هم گفت: شب حادثه وقتی وارد خانه شد، گفت که به زودی قرار است در یک فیلم نقش بازی کند. هنرپیشه شدن بدترین اتفاقی بود که ممکن بود، روی دهد. همین کار او باعث می‌شد تا آبروی باقی مانده‌ای که نزد خانواده داشتم، برود. دوباره با او حرف زدم و خواستم دست از کارهایش بردارد، اما قبول نکرد. تمام ۲۰ سنالی‌ای که فشارش را تحمل کرده بودم، به خاطر آوردم و تصمیم گرفتم او را گرفت. آخر شب وقتی به اتاقش رفتم، منتظر ماندم تا به خواب برود. بعد بالش برداشتم و روی دهانش گذاشتم و فشار دادم تا اینکه فوت شد. متهم ادامه داد: خالام برای دخترم تنگ شده‌است و از کاری که کرده‌ام، پشیمان هستم. من عمل را مقصر می‌دانم چرا که در تربیت او درست نکرده‌ام و سرانجام به جایی رسیدم که دیدم چاره‌ای جز کشتن او ندارم. هیبت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم وارد شور شد.

نصیحت کردن او نداشتم با این وجود به حرف او اعتنا نمی‌کرد. بارها تلاش کردم ازدواج کند، اما قبول نمی‌کرد و من و خانواده‌ام از این موضوع ناراحت بودیم. متهم در شرح حادثه هم گفت: شب حادثه وقتی وارد خانه شد، گفت که به زودی قرار است در یک فیلم نقش بازی کند. هنرپیشه شدن بدترین اتفاقی بود که ممکن بود، روی دهد. همین کار او باعث می‌شد تا آبروی باقی مانده‌ای که نزد خانواده داشتم، برود. دوباره با او حرف زدم و خواستم دست از کارهایش بردارد، اما قبول نکرد. تمام ۲۰ سنالی‌ای که فشارش را تحمل کرده بودم، به خاطر آوردم و تصمیم گرفتم او را گرفت. آخر شب وقتی به اتاقش رفتم، منتظر ماندم تا به خواب برود. بعد بالش برداشتم و روی دهانش گذاشتم و فشار دادم تا اینکه فوت شد. متهم ادامه داد: خالام برای دخترم تنگ شده‌است و از کاری که کرده‌ام، پشیمان هستم. من عمل را مقصر می‌دانم چرا که در تربیت او درست نکرده‌ام و سرانجام به جایی رسیدم که دیدم چاره‌ای جز کشتن او ندارم. هیبت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم وارد شور شد.

نصیحت کردن او نداشتم با این وجود به حرف او اعتنا نمی‌کرد. بارها تلاش کردم ازدواج کند، اما قبول نمی‌کرد و من و خانواده‌ام از این موضوع ناراحت بودیم. متهم در شرح حادثه هم گفت: شب حادثه وقتی وارد خانه شد، گفت که به زودی قرار است در یک فیلم نقش بازی کند. هنرپیشه شدن بدترین اتفاقی بود که ممکن بود، روی دهد. همین کار او باعث می‌شد تا آبروی باقی مانده‌ای که نزد خانواده داشتم، برود. دوباره با او حرف زدم و خواستم دست از کارهایش بردارد، اما قبول نکرد. تمام ۲۰ سنالی‌ای که فشارش را تحمل کرده بودم، به خاطر آوردم و تصمیم گرفتم او را گرفت. آخر شب وقتی به اتاقش رفتم، منتظر ماندم تا به خواب برود. بعد بالش برداشتم و روی دهانش گذاشتم و فشار دادم تا اینکه فوت شد. متهم ادامه داد: خالام برای دخترم تنگ شده‌است و از کاری که کرده‌ام، پشیمان هستم. من عمل را مقصر می‌دانم چرا که در تربیت او درست نکرده‌ام و سرانجام به جایی رسیدم که دیدم چاره‌ای جز کشتن او ندارم. هیبت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم وارد شور شد.

نصیحت کردن او نداشتم با این وجود به حرف او اعتنا نمی‌کرد. بارها تلاش کردم ازدواج کند، اما قبول نمی‌کرد و من و خانواده‌ام از این موضوع ناراحت بودیم. متهم در شرح حادثه هم گفت: شب حادثه وقتی وارد خانه شد، گفت که به زودی قرار است در یک فیلم نقش بازی کند. هنرپیشه شدن بدترین اتفاقی بود که ممکن بود، روی دهد. همین کار او باعث می‌شد تا آبروی باقی مانده‌ای که نزد خانواده داشتم، برود. دوباره با او حرف زدم و خواستم دست از کارهایش بردارد، اما قبول نکرد. تمام ۲۰ سنالی‌ای که فشارش را تحمل کرده بودم، به خاطر آوردم و تصمیم گرفتم او را گرفت. آخر شب وقتی به اتاقش رفتم، منتظر ماندم تا به خواب برود. بعد بالش برداشتم و روی دهانش گذاشتم و فشار دادم تا اینکه فوت شد. متهم ادامه داد: خالام برای دخترم تنگ شده‌است و از کاری که کرده‌ام، پشیمان هستم. من عمل را مقصر می‌دانم چرا که در تربیت او درست نکرده‌ام و سرانجام به جایی رسیدم که دیدم چاره‌ای جز کشتن او ندارم. هیبت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم وارد شور شد.

مالی داشتند که روز حادته فرار بود مقتول چک داریوش را وصول کند. همچنین بررسی‌های حادثه به مکانیت از آن داشت مقتول چهار روز قبل از حادثه به طرز مرموزی ناپدید می‌شود و مأموران در محل حادثه فیلتر سیگاری کشف می‌کنند که معلوم شدد زنی آن را مصرف کرده است، اما متهم هرگز در بازجویی‌های اسمی از دختر مورد علاقه‌اش و مقتول به زبان نیاورد.

دومین دلیلی که باز پرس پرونده به آن رسید، اظهارات و تقبض دختر مقتول است. دختر مقتول در تحقیقات مدعی شده بود که چندین بار برای آوردن وسایل پذیرایی به خانه مادری‌اش رفته است در صورتی که مأموران در صحنه متوال هیچ وسایل پذیرایی کشف نکرده بودند که معلوم بود دختر مقتول دروغ گفته‌است. دلیل سوم باز هم به اظهارات دختر مقتول بر می‌گردد که مدعی شده بودروز حادثه ابتدا داریوش از خانه بیرون رفته است که ساعتی بعد وقتی مهمان برای پدرش می‌آید، او به خانه دوستی می‌رود. اما این در حالی است که دو نفر از کاسب‌های محل دیده بودند وی همراه نامزدش از خانه بیرون رفته‌است. دلیل چهارم در باره ادعای متهم است که گفته بود هنگام خروج از خانه مقتول دو مرد ناشناس به محل متوال آمدند.

در صورتی که تحقیقات نشان داده بود هیچ فردی از اهالی و کاسب‌های محل این دو مرد ناشناس را ندیده‌اند.

آخرین دلیلی که باز پرس پرونده نتیجه گرفت قاتل داریوش است. اظهارات همسر دوم مقتول بود که در تحقیقات گفته بود دختر خردسالش را ساعت ۲ بعد از ظهر دیده‌است و اجساد هم ساعت ۴ و ۴ دقیقه عصر همان روز کشف شده‌است که در نتیجه متهمان زمان برای اجرای نقشه حادثه و صحنه‌سازی داشته‌اند.

با به‌دست آوردن این پنج سرخ در پرونده، باز پرس جنایی به این نتیجه رسید که مقتول همسراه دختر خردسالش بدون اطلاع از حضور متهم وارد خانه دخترش می‌شود که در آنجا متهم و پدر و دختر خردسال اعلام کرده بود هر سه با جسم توک تیزی به قسمت مشخصی از سر به قتل رسیدند.

در آن پرونده داریوش و مقتول هر دو قریب عشقی هم بودند و از نسوی دیگر مقتول و مظنون با هم داد و ستد



## رهایی دکتر داروساز با دست و پای بسته در جاده کرج

**سه‌مرد آمریک‌ا که در پوشش مسافر کشی پزشک داروسازی را ربوده بودن، پس از سرقت اموالش او را با دست و پای بسته در جاده مخصوص کرج رها کردند.**

به گزارش خبرنگار ما، شامگاه پنجشنبه ۲۰ آبان‌ماه مرد جوانی سراسیمه به اداره پلیس رفت و از سه‌مرد مسافر‌برنما به اتهام آدم‌ربایی و سرقت اموالش شکایت کرد.

وی گفت: من پزشک داروساز هستم و محل کارم در شهرک قلعه‌حسن‌خان

است. ساعتی قبل در میدان آزادی سوار خودروی پرایدی شدم تا به قلعه حسن‌خان بروم. کمی آن‌طرف‌تر راننده، دو مسرد جوان دیگری را به عنوان مسافر سوار کرد و به راه افتاد. در میانه راه در حال چرت زدن بودم که دو مرد جوان به من حمله کردند و دست و پایم را با طناب بستند.

آنها کارت عابسر و هرچه پول داشتم از من گرفتند و در آخر هم بنا تهدید چاقو رمز کارت‌م را گرفتند و در نهایت در مکان خلوتی در حوالی جاده مخصوص کرج از خودرو مرا به پایین انداختند و به سرعت از محل گریختند. وی ادامه داد: با سختی طناب دست و پایم را باز کردم که خودروی عبوری با دیدن من به کمک آمد و مرا به تهران رساند.

با طرح این شکایت پرونده به دستور دادسرای جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. تحقیقات برای شناسایی سه مرد آدهربا ادامه دارد.

## مرگ مشکوک پزشک فوق تخصص

**پزشک فوق تخصصی به طرز مرموزی از طبقه پنجم خانه‌اش به داخل حیاط سقوط کرد و جان باخت.**
تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

به گزارش خبرنگار نگار، ساعت ۲۰ شامگاه جمعه ۲۱ آبان‌ماه قاضی ایلمخانی، باز پرس ویژه قاتل دادرسی امور جنایی تهران با تماس مأموران کلانتری ۱۴۴ جوادیه تهرانپارس از مرگ مشکوک مرد میانسالی با خبر و همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه که ساختمان مسکونی بود با جسد مرد ۴۰ ساله‌ای روبه‌رو شد که حکایت از آن داشت از بالکن طبقه پنجم خانه‌اش به داخل حیاط سقوط کرده و جان باخته‌است.

تحقیقات مأموران نسان داد مرد فوت شده فوق تخصص پزشکی دارد که لحظاتی قبل به صورت مشکوکی در نبود همسرش از بالکن خانه‌اش به پایین سقوط می‌کند.

یکی از همسایه‌ها گفت: داخل خانه‌ام بودم که صدای مهیبی به گوشم رسید. وقتی از پنجره به داخل حیاط نگاه کردم، دیدم همسایه طبقه پنجم ساختمان‌ام به داخل حیاط سقوط کرده‌است. هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد پزشک متخصص برای انجام آزمایش‌های لازم به دستور قاضی ایلمخانی به پزشکی قانونی منتقل شد.

<b>آگهی ابلاغ وقت رسیدگی</b>	م‌الف: ۸۱۰
<b>آگهی ابلاغ وقت رسیدگی</b>	م‌الف: ۸۱۱

**شماره پرونده:** ۹۵/۲۲۴ شعبه ششم شورای حل اختلاف \* **خواهان:** حسین موثوری فرزند **علی کریم به آدرس:** گناوه خیابان بسیج کوچه زربوری حسینیه تارالله \* **خوانده:** حسین خاکسار فرزند منصور به آدرس مجهول المکان \* **خواسته مطالبه در پرونده کلاسه ۹۵/۲۲۴:** شعبه ششم شورای حل اختلاف ثبت که مراتب برابر مقررات مربوطه یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار چاپ بدینوسیله به خوانده ابلاغ و اعلام می‌گردد تا در وقت رسیدگی روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۵/۹/۲۰ ساعت ۹/۳۰ صبح حاضر و چنانچه دفاعی دارند ضمن دریافت نسخه تائی دادخواست و ضمانت کتبی اعلام در غیر این صورت شورای حل اختلاف غیایا رسیدگی و حکم لازم را صادر می‌نماید.
**ریس شعبه ششم شورای حل اختلاف گناوه**

**شماره پرونده:** ۹۵/۱۹۱ شعبه ششم شورای حل اختلاف \* **خواهان:** حمید کابی **خوانده:** مصطفی حشمان \* **خواسته مطالبه در پرونده کلاسه ۹۵/۱۹۱:** شعبه ششم شورای حل اختلاف ثبت که مراتب برابر مقررات مربوطه یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار چاپ بدینوسیله به خوانده ابلاغ و اعلام می‌گردد تا در وقت رسیدگی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۵/۹/۱۷ ساعت ۱۰:۰۰ حاضر و چنانچه دفاعی دارند ضمن دریافت نسخه تائی دادخواست و ضمانت کتبی اعلام در غیر این صورت شورای حل اختلاف غیایا رسیدگی و حکم لازم را صادر می‌نماید.
**ریس شعبه ششم شورای حل اختلاف گناوه**

<sup>[1]</sup> شعبه ششم شورای حل اختلاف

<sup>[2]</sup> شعبه ششم شورای حل اختلاف